

□ به مناسبت اکران فیلم «توطئه» به کارگردانی علی قوی تن



● نویسنده و کارگردان: علی قوی تن ● مدیران فیلمبرداری: حسین ملکی، اسفندیار شهیدی ● مدیر تولید: حبیب‌الله صحرانورد ● تدوین: ایرج گل‌افشان ● صدابرداری و میکس صدا: فرهاد ارجمندی ● موسیقی: بهرام سمیدی ● جلوه‌های ویژه: اصغر پوره‌اجریان ● بازیگران: امین تارخ، شهره سلطانی، فرهاد جم، پردیس محب‌ناش، ابراهیم آبادی، فرهاد خان‌محمدی، ناصر لقایی و ... ● مجری طرح و تهیه‌کننده: شرکت‌نمایش فیلم.

خلاصه‌ی داستان فیلم «توطئه» از این قرار است:

«دختر دانشجویی که در رشته‌ی سینما تحصیل می‌کند، برای پایان‌نامه‌اش در حال ساختن یک فیلم است و در این راه، همسرش به او کمک می‌کند. آن دو در حین ساختن این فیلم، با جسدی روبه‌رو می‌شوند که مسیر زندگی‌شان را تغییر می‌دهد.

و آنها را مایوس به‌خانه اولشان بازگرداند. یکی از این کارگردانان که ظاهراً بدشانس‌تر از سایرین است، جوان علاقه‌مندی به نام «علی قوی تن» است که بدجوری در دام امواج پرتلاطم فیلمفارسی سازی افتاده است، به گونه‌ای که جریانه‌های خشن سینمایی توانش را فرسوده است و اگر نجنبند، کلاه سرش می‌رود.

□ □ □

قوی تن بعد از سالها کار در سینمای آزاد و تولید چند فیلم کوتاه و نیمه‌بلند با دنیایی از امید راهی دنیای حرفه‌ای سینما شد تا تواناییها و قابلیت‌هایش را نشان دهد و در جهت باروری آنها بکوشد؛ اما اوضاع غریبی که در شرایط مختلف در سینمای ایران وجود داشت، برای رشد این فیلمساز - و دیگران - مناسب نبود و قوی تن نتوانست راهش را بیابد و حتی سینمای حرفه‌ای ایران را بشناسد و...

«عشق من، شهر من» نخستین فیلمی بود که قوی تن با خود به سینمای حرفه‌ای آورد، و نشان از استعداد‌های نهفته‌ی سینماگری علاقه‌مند داشت. داستان و محتوای مرتبط با مسائل اجتماعی و دفاع مقدس و تبلیغات آبرومند و حضور کارگردانی با وقار در پس آن، باعث مکث تماشاگران بر روی این فیلم شد. اما اوضاع به هم ریخته و مناسبات ویژه‌ی فیلمسازی در سینمای ایران تا مدتی به قوی تن مجال فیلمسازی نداد و بعد که او این فرصت را یافت فیلم حادثه‌ای و بد «ضربه طوفان» را ساخت که نه فقط ساختار سینمایی خوبی نداشت که علی‌رغم صحنه‌های اکشن و پرزدوخوردش تماشاگر فیلمهای حادثه‌ای را نیز راضی نکرد. البته از حق نگذریم «ضربه طوفان» که بعد از یکسال بلاتکلیفی در زمستان ۷۳ اکران شد، اکران مناسبی نداشت و در واقع در میان سرمای زمستان و در تنهایی یخ زد.

اصولی سینمای پلیسی، ساخته شده است و دیگر آثار این رده سیاه‌مشق‌های آزاردهنده‌ی بیش نیستند. این چند فیلم قابل اعتنا را هم ساموئل خاچیکیان پیش از سقوط در ورطه‌ی تولید فیلمهای عشقی، عشقی/پلیسی و جنایی/آبگوشتی ساخته است. فیلمهایی به نام: «فریاد نیمه‌شب»، «دلهره»، «یک قدم تا مرگ»، «عصیان» و ...

در اواسط و اواخر دهه ۴۰ و تمام دوران دهه‌ی ۵۰ هیچ فیلم ارزشمندی که بتواند جای خالی سینمای پلیسی را در سینمای ایران پر کند، ساخته نشد و آن‌چه خود ساموئل ساخت، بسیار ضعیفتر از آنی بود که به‌یاد تماشاگر بماند و از این زمان به بعد برای سالها این نوع سینما افول کرد.

□ □ □

در سالهای بعد از انقلاب نیز کارگردانهای قدیمی و از نسل جوان در عرصه‌ی سینمای پلیسی دست به تولید فیلمهایی زدند که بعضی فقط در برخی لحظه‌ها توانستند، اثرشان را قابل قبول سازند. از جمله فیلمهای شب حادثه (سیروس الوند)، شب بیست و نهم (حمید درخشانی)، بندرگاه مه‌آلود (امیر قوی‌دل) و ... جالب اینکه فیلمهایی که خاچیکیان در سالهای اخیر ساخت تا سبک و شیوه‌ی دلخواهش در پهنه‌ی سینمای پلیسی را ادامه دهد، به دلیل ضعف داستانی و پرداخت ارزشمند نبودند و در قیاس با دلهره و یک قدم تا مرگ آثار ضعیفتر محسوب شدند.

□ □ □

در چند سال اخیر در کنار چند سینماگر جوان مانند: آقامحمدیان و بهمنی، کسانی نیز خواسته و ناخواسته پا به عرصه‌ی تولید فیلم جنایی پلیسی گذاشتند که متأسفانه به‌خاطر نشناختن این‌گونه‌ی سینمایی و تلفیق غیراصولی و غیرواقعی آن با واقعیت‌های موجود در جامعه و همچنین دانش اندک سینمایی کارشان حتی با توفیق تجاری روبه‌رو نشد

□ از بدو تولید فیلم ایرانی، سینمای ایران در کنار تولید صدها فیلم در گونه‌های مختلف سینمایی، در عرصه‌ی سینمای جنایی پلیسی و معمایی نیز طبع آزمایی کرده و با عرضه‌ی دهها فیلم منتسب به این ژانر از وجود سینمای پلیسی جنایی در ایران خبر داده است.

□ □ □

سینمای جنایی پلیسی به‌جز در چند فیلم از «ساموئل خاچیکیان» به‌عنوان جریان سینمایی هرگز در ایران حیات نداشته است و آن‌چه تحت عنوان فیلمهای پلیسی و جنایی در سینمای ما تولید شده، اغلب آثاری ضعیف و سطحی و در بهترین حالت کپی ناقص فیلمهای غربی‌اند.

□ □ □

جدایتهای سینمای معمایی و جنایی و پلیسی و استقبال مردم از این گونه فیلمها، فیلمسازان زیادی را تشویق به ساخت فیلم جنایی کرده است؛ اما هیچ‌کدام از این فیلمسازان به دلیل عدم شناخت ویژگیهای این نوع سینما، نداشتن آگاهی، بینش و دانش سینمایی و فنی نتوانسته‌اند، آثاری قابل قبول و حتی متوسط بسازند.

داشتن داستانی اقتباسی یا سرهم کردن چند ماجرای بی‌ربط اساس اغلب فیلمهای جنایی ایرانی را تشکیل می‌دهد که در کنار بازیهای ضعیف و کارگردانی ضعیفتر ترکیب بدترکیب آنها را ساخته است.

آن‌چه فیلمسازان را به این نوع سینما سوق داده و می‌دهد، بیش از هر چیز هوس و نگاه ملتسمانه به‌گیشه است و گرنه مانند خاچیکیان که پیوندی دیرینه و روحی و معنوی با این‌گونه‌ی سینمایی دارد، نه از روی هوس که از روی عشق فیلم می‌ساختند.

□ □ □

در طول تاریخ سینمای ایران فقط تعداد معدودی فیلم به دلیل رعایت ویژگیهای کلی و

این کارگردان جوان که از فیلمهای قبلی اش خیری ندیده بود، برای حرکت جدیدش، گونه‌ی سینمای پلیسی - جنایی را انتخاب کرد. اکران فیلم بسیار ضعیف «توطئه» نشان داد که این لباس نیز برای تن او گشاد است و قوی‌تن باید قبل از هر چیز تکلیفش را با خودش و گونه‌ی موردعلاقه‌اش در سینما یکسره کند و بعد تواناییهایش را خرج آن نماید وگرنه این گونه، بار کج او هیچ‌گاه به منزل نمی‌رسد.

□ □ □

علی قوی‌تن، جوان با استعدادی است، سینما را نیز بلد است؛ اما باید تجربه بیندوزد و در کنار آن مطالعه و تحقیق را فراموش نکند. انتخاب یا

نگارش فیلمنامه‌ای اصولی که موازین و ضوابط ویژه‌ی فیلمهای جنایی را داشته باشد، مهمترین کاری است که او - اگر می‌خواهد به گونه‌ی سینمای پلیسی فیلم بسازد - باید به آن پردازد وگرنه فیلمش مانند «توطئه»، اثری ضعیف با شخصیت‌های نامشخص و حوادث بی‌ارتباط با هم، فضا‌سازیهایی آشفته، قهرمانبازیهای اغراق‌آمیز و ... می‌شود که به‌احتمال قوی خود قوی‌تن را نیز راضی نمی‌کند.

سینماگران ما باید بدانند که سینمای جنایی - پلیسی با گرد آوردن چند آدم با چهره‌های اکشن (!) و اعمال بی‌ربط و بی‌منطق اکشن فرق دارد. این نوع سینما ویژگیها و اصولی دارد که دستکم تماشاگر فیلمهای مشهور جنایی تاریخ سینما بخشی

از آنها را به مخاطبش می‌آموزد. سازنده‌ی یک اثر جنایی که قرار است مانند فیلم «توطئه» به روانکاوی شخصیتها نیز پردازد، باید روانکاوی را بفهمد و جنایت را به شیوه‌ی سینمایی ترسیم و تصویر کند و تلفیقی شایسته میان آنها به‌وجود بیاورد. فیلم توطئه در این عرصه نیز ناموفق است و یا ارائه‌ی شخصیت اصلی فیلم که اعمالی غیرطبیعی انجام می‌دهد و گاهی رفتار و کردارش ریشخند تماشاگر را به‌دنبال می‌آورد، تصویری نامطلوب و الکن از سینمای پلیسی ارائه داده است. قوی‌تن تنها در صورتی می‌تواند حضور موقتی در سینمای ایران داشته باشد که استعدادش را در بازار مکاره‌ی فیلمسازی حراج نکند. ■



شکست دوجانبه

همراهی چند نفر از اعضای شرکت نمایش فیلم هزینه کردیم، در حالی که اگر با این پول، پلاستیک هم خریده شده بود، کلی سود داشت؛ البته سود مادی. پس ما از وجودمان برای تهیه‌ی یک کار فرهنگی مایه گذاشتیم و حق داریم از مردم و مسئولان متوقع حمایت باشیم. خلاصه از این که مشکلات جانبی، حرکت مرا برای رسیدن به‌هدف و یک اثر ایده‌آل گُند کرده، خیلی دلگیرم.

به‌باور نگارنده، فیلم توطئه نه تنها به کلی تهی از بار فرهنگی است، به‌مختصات یک اثر سرگرم‌کننده‌ی صرف هم نزدیک نمی‌شود. در واقع ساختن این فیلم، «خرسان مضاعف» است. به این معنا که در هر دو جبهه‌ی فرهنگی و تجاری با شکست روبه‌رو می‌شود، به‌علاوه آن چنان که کارگردان مدعی شده است، به‌نظر نمی‌رسد فیلمنامه‌ی «توطئه» محصول ۲۰ ماه «تلاش» و ماهها «تفکر» و «پژوهش» باشد؛ زیرا با توجه به‌محصول نهایی، یا باید در میزان توان و دانش کارگردان شک کنیم یا در صحت گفته‌هایش!

اتفاقاً یکی از کاستیهای جدی و محوری «توطئه» فقدان عنصر تحقیق در کار نگارش فیلمنامه‌ی آن است که در حین ساخت نیز به‌سخت بودن شخصیتها و رخدادها انجامیده و آنها را

□ «توطئه»، تجربه‌ای خامدستانه در نوع «پلیسی - حادثه‌ای» سینماست. متأسفانه «قوی‌تن» به تکرار و تقلید همان قراردادها، کلیشه‌ها و سیاق قدیمی این ژانر سینمایی دلخوش کرده و حتی در این راستا نیز به‌باز آفرینی آنها برابر «اصل» نائل نیامده است؛ گویی که برای او تنها و فقط «ساختن فیلم» و حضورش به‌عنوان «کارگردان سینما» اهمیت دارد، نه چگونگی و کیفیت این حضور. «علی قوی‌تن» درباره‌ی «توطئه» در جایی گفته است: من ۲۰ ماه برای نوشتن فیلمنامه‌ی توطئه تلاش کردم و چهار ماه برای انتخاب عوامل جلو و پشت دوربین، وقت تلف کردم و با جرأت می‌توانم بگویم که به‌اندازه‌ی ده سال عمر یک آدمی که شغل معمولی دارد، تحلیل رفتم، از نظر مادی هم همین‌طور، بیش از چهار میلیون تومان با

در حدی غیرملموس و باورناپذیر تزلز داده است. به‌علاوه توطئه به‌لحاظ درونمایه‌ی داستانی اش هیچ‌گونه تازگی و بدعتی ندارد (همزمان با این فیلم، فیلمی دیگر با عنوان «فرار از جهنم» با همین داستان ساخته شده است، چنان که گویی این دو را براساس یک فیلمنامه‌ی واحد و با انجام تغییراتی در خط داستانی و شخصیتها ساخته‌اند). ماجراهای فیلم چنان که گفته آمد - از آن رو که بسیار سردستی و عاری از منطق‌روایی‌اند - باورپذیر نیستند و شخصیتها ضمن آن که ما به‌ازای بیرونی - در خارج از چارچوب فیلم - ندارند، به‌درستی پرداخت نشده‌اند: شخصیت پردازی بسیار ضعیف و نارس به‌ویژه در مورد شخصیت قاجاقچی دارو (امین تارخ) بسیار آشکار است، شخصیت او مطابق طرح اولیه‌ی فیلمنامه نیاز به‌کاوشی درونی و روانشناختی داشته است، با این حال تماشاگر هیچ‌گاه به‌او نزدیک نمی‌شود و سازنده‌ی فیلم هم از لایه‌ها و پوسته‌های رویی به‌سمت عمق حرکت نکرده است.

به‌هر روی پس از «عشق من شهر من» ساخته‌ی پیشین این کارگردان، فیلم «توطئه» نیز اثر چندانی قابل توجهی نیست و قوی‌تن تا تولید یک اثر ایده‌آل و مطلوب، فرسنگها فاصله دارد! ■ ش.ش